

بررسی مدیریت آموزشی و روانشناسی در توانمند سازی زنان زندانی پس از آزادی

^۱ نویسنده اول : نجمه احمدی پورنظری (نویسنده مسئول) ، ^۲ نویسنده دوم : آفاق صالح

ایمیل نویسنده مسئول : najmeh.ahmadipournazari@gmail.com

ایمیل نویسنده دوم : Afagh_saleh@yahoo.com

چکیده :

توانمند سازی فرآیندی است که طی آن فرد از نیازها و خواسته های درونی و قابلیت های خودآگاه می شود و باهدف رسیدن به خواسته ها، به کسب توانایی های لازم می پردازد. زنان زندانی همانند سایر زنان جامعه در معرض آسیب های مختلفی قرار دارند و محکومیت این زنان، بعد عاطفی و مدیریت خانواده را ازهم گسیخته و با توجه به اینکه تداوم و استحکام خانواده مستلزم حضور زن می باشد کودکان و همسران آنان نیز به سختی قادر به ادامه زندگی خواهند بود و آسیب های متعدد اجتماعی و روانی را به آنان وارد خواهند کرد. متأسفانه زنان در بند از نظر وضعیت اشتغال نتوانسته اند با وجود ظرفیت های شخصی، اجتماعی و قانونی به جایگاه متناسبی دست یابند. از این منظر زنان زندانی بخش مهمی از شهروندان جامعه را تشکیل داده اند و در راستای توانمندسازی این افراد برای نیل به جامعه مطلوب و بازگشت سعادت‌مندان به جامعه توجه به آموزش، برای سروسامان دادن به وضعیت این زنان در چارچوب توانمندی های فرهنگی و اجتماعی آنان همواره دارای جایگاه ویژه در بین مددجویان بوده است.

واژه‌های کلیدی

زنان زندانی – توانمندسازی زنان – مدیریت آموزشی – روانشناسی

خانواده به عنوان واحد کوچکی از اجتماع، نقش مهمی در پیشرفت و توسعه فرهنگی و رشد اقتصادی جامعه را دارد.

یکی از اساسی ترین اهداف تشکیل خانواده بقای نسل و تربیت نیروی انسانی موردنیاز جامعه است. از عوامل مؤثر در توسعه اقتصادی، نیروی انسانی کارآمد و توانمند می باشد. از آنجا که خانواده این زنان در بند به عنوان اولین پایگاه تربیت و پرورش برایشان محسوب می گردد، جامعه باید با تقویت نهاد خانواده زمینه های توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را نیز مهیا سازد؛ زیرا، سرمایه های انسانی با ارزش تر از دارایی ها و منابع طبیعی و ذخایر زیرزمینی به شمار می آیند و هرچه بر روی انسانها سرمایه گذاری شود رشد و توسعه جامعه افزون خواهد شد و در ورای آن رشد و توسعه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تسهیل و تسریع می گردد. به همین تناسب گرچه امروزه برخی از کارکردهای خانواده به نهادهای دیگری واگذار شده است اما خانواده همچنان به عنوان نهاد پایه ای در جامعه پذیرد، نظارت اجتماعی و همچنین پشتیبانی های روانی، اقتصادی و اجتماعی از این زنان قلمداد می شود. مهم ترین آسیب های زنان زندانی پس از آزادی شامل: احساس نبود پشتیبانی های اقتصادی و اجتماعی است که منجر به تضعیف روحیه مشارکت در برخی از امور اجتماعی در آنان می شود. نابسامانی روحی از دیگر مشکلات این دسته از زنان است. بنا به اعلام مدیران و کارشناسان ذیربط، زنان زندانی از نظر سلامت روانی به مراتب نسبت به زنان دیگر در وضعیت بدتری قرار دارند و عمدتاً علائم بیماری های روانی هم چون: افسردگی، پرخاش، اضطراب و وسواس در آن ها به وضوح دیده می شود. از مهم ترین آسیبهای این دسته از زنان گرایش به سمت برخی از مشاغل غیرقانونی در ارتباط با تأمین هزینه های زندگی و خانواده است. با توجه به اینکه با روند رو به رشد شمار زنان زندانی مواجه می باشیم، دغدغه ما همواره نگاه ویژه به مسائل و مشکلات روحی و روانی و اقتصادی آن ها که امری ضروری و لازم بوده است، می باشد.

آنچه اغلب در مورد زنان زندانی نادیده گرفته شده است نیازهای روانی و عاطفی آنان نسبت به آینده خود و فرزندانشان بوده است. وضعیت نابسامان اقتصادی موجب شده است که هم زنان زندانی و هم فرزندان آنها از آسیبپذیرترین اقشار جامعه در برابر آسیب های اجتماعی باشند. فرزندان این خانواده ها به طور بالقوه در معرض مسائلی مانند کودکان کار در مشاغل غیررسمی، بزهکاری اجتماعی، محرومیت از تحصیل و سوء تغذیه قرار داشته اند؛ لذا برای بهبود وضعیت این زنان کمک اصلی باید در چهارچوب بهره مندی اقشار آسیب پذیر از توانمندسازی در قالب مشاوره های روانی و مهارت آموزی به این گروه افراد شکل گیرد.

توانمندسازی زنان :

در خصوص توانمندسازی زنان نظریه هایی مطرح شده است یکی از مهمترین این نظریات، نظریه توانمندسازی است.

این نظریه بر اساس شرایط کشورهای در حال توسعه و ناشی از تجربیات سازمان های دست اندرکار مسائل زنان مطرح شده است. محور اصلی این نظریه تغییر ساختار و شرایطی است که نابرابری را به زنان تحمیل می کند. از نظر طرفداران این نظریه، برآورده ساختن نیازهای اساسی از حقوق اولیه تمام افراد است و هر فردی باید امکان آن را داشته باشد که از تمام توانایی ها و خلاقیت های خود استفاده کند. این نظریه ترکیبی از نظریه های رفاه، برابری و فقرزدایی است لذا لازم است علاوه بر سطوح بالای سازمان های دولتی، سازمانهای غیردولتی زنان نیز برای بسیج سیاسی، آگاه سازی و آموزش همگانی تلاش نمایند.^(۱)

جایگاه اشتغال و توانمندسازی زنان در قوانین کشور :

قانون، دستور کلی و گاه جزئی است که به وسیله مرجع صالح منتشر شده و به وسیله مجالس قانونگذاری تصویب و سپس به تواسیح مرجع صلاحیتدار برسد. به عبارتی در معنی اعم، شامل مجموعه قواعد حقوقی است که به وسیله قانونگذاری مقرر می شود. قانون علی الاصول مصادیق فراوان دارد و اختصاص به مورد معینی ندارد.^(۲)

این اصطلاح چنان که در مورد امور اعتباری از قبیل قوانین موضوعه به کار برده می شود، در مورد امور حقیقی از قبیل مسائل ریاضی، طبیعی و غیره نیز جریان دارد، به همین اعتبار است که قانون را به طبیعی و وضعی تقسیم نموده اند.^(۳) در حال حاضر دو نوع محدودیت شغلی برای زنان، طبق قوانین ایران وجود دارد؛ یکی ممنوعیت از برخی از مشاغل به دلیل منع شرعی یا به لحاظ مصالح ملی و امنیتی و رعایت وضع خاص زنان؛ دیگری محدودیت مربوط به زن شوهردار از اشتغال به مشاغل منافی مصالح خانوادگی.^(۴)

توانمندسازی اقتصادی زنان:

ایجاد اشتغال و توانمندسازی زنان از بُعد اقتصادی میتواند بهعنوان مهمترین اقدامها برای زنان دربند پس از آزادی باشد. حمایت هایی که دولت بر پایه قوانین بودجه سالیانه از زنان سرپرست خانوار دارد، بسیار ناچیز و اندک است و همین عاملی برای اشتغال اجباری برای آنان می شود. دولت باید متناسب با نیاز این زنان و مشاغل مورد نیاز جامعه، مهارت های شغلی لازم را به آنها آموزش دهد. حمایت از زنان دربند پس از آزادی خود اشتغال، اعطای تسهیلات ارزان قیمت به آنان و فراهم آوردن شرایط ورود این زنان به چرخه اقتصادی از اهمیت بسیاری برخوردار است و ایجاد بسته های حمایتی می تواند راهی برای کمک به این قشر باشد.

ضرورت مهارت آموزش و کسبوکار برای زنان دربند پس از آزادی:

فقدان آموزش و نداشتن مهارت کسب و کار در میان زنان دربند پس از آزادی آنان را به طرف مشاغل کاذب سوق می دهد و به همین علت این قشر، مشمول هیچ نوع حمایتی نخواهند شد و اگر هم این مسئله صورت بگیرد در قالب ارتباط های فردی است. نبود حمایت و رها سازی این زنان آسیب های فردی و اجتماعی زیادی به بدنه جامعه وارد می سازد که در مواردی قابل جبران نیست. این زنان نیازمند ترحم نیستند بلکه به توجه نیاز دارند و به عنوان بخشی از ظرفیتهای موجود در جامعه محسوب گردند، بنابراین باید با نگاهی ویژه، شرایط زندگی بهتر را برای آنان از همه لحاظ فراهم آورد.^(۵)

نقش خانواده و نهادهای متولی در حمایت از زنان دربند پس از آزادی:

خانواده ها، سازمان ها و نهادهای دولتی می توانند در بحث حمایت های مادی، فرهنگی و اشتغال زایی زمینه های مناسب برای توانمندی زنان دربند پس از آزادی را به وجود آورند و عاملی مؤثر در پیشگیری و مقابله با آسیب های اجتماعی زنان باشند. تشکیل بانک های اطلاعاتی برای آسیب شناسی این زنان نسبت به محل سکونت و سن آنها، برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های لازم نیز می تواند در جهت توانمندسازی های اجتماعی این زنان گامی مؤثر باشد.

لازمه رسیدن و تقویت توانمندسازی زنان دربند پس از آزادی تغییر در نگرش این قشر با آموزش می باشد اما حال تغییر نگرش به چه صورت می باشد؟

مددکاران اجتماعی دارای نقش های مختلفی هستند که به نظر نگارنده یکی از مهمترین نقش های مددکاری اجتماعی، نقش آموزش دهنده می باشد. زیرا این نقش جزو ذاتی مددکاری اجتماعی محسوب می شود. اما در برخی از شرایط و موقعیت ها به عنوان اصلی ترین کار مددکاری اجتماعی محسوب می گردد. از آنجاکه یکی از رویکردهای مهم آموزش در مددکاری اجتماعی نشر اطلاعات، آگاهسازی جامعه هدف در چگونگی مقابله با مشکلات و مسائل می باشد بنابراین زمانی که مددکار اجتماعی با زنان در دربند پس از آزادی در مکانی مختص به این قشر کمک می کند تا آنان نسبت به خود، آگاهی پیدا کنند، یا آنها را به شرکت در گروههای مختلف تشویق می کنند و آنان را به ایجاد تعاونی ها سوق می دهند. به عنوان نقش آموزش دهنده ایفای وظیفه می کنند. زیرا بدیهی ترین، پایه ترین و هدف اولیه توانمندسازی در همین تغییر نگرش نهفته است. پس از این پایه اولیه است که می توان وارد فرآیند توانمندسازی شوند و دست به اقدام مشترک، مبادله و حمایت متقابل با دیگران، اقدام در زمینه ی عملی و کسب مهارت های جدید را داشته باشند؛ از این رو با فراهم سازی و حمایت های قانونی از سوی مسئولان می توان آموزش های لازم و به موقع را تعبیه نمود و این قشر را دوباره برای برگشت به جامعه آماده نمود.

نیازهای زنان زندانی به حمایت های چندبخشی :

توجه به علت اصلی جرم :

قضیه ی مهمی که پیش رو می باشد این است که باید مشخص شود علت اصلی ارتکاب جرم این افراد چه بوده است و بعد با کارشناسی دقیق متشکل از روانپزشک، آسیب شناس، جامعه شناس، روانشناس یا جرم شناس اجتماعی باشد، مشکل شان را تشخیص داد. اگر که مشکل شان، مشکل اخلاقی یا اختلال شخصیت است به نظر می رسد که اینها باید در محیط های کارآموزی و کسب و مهارت های زندگی و تغییرات رفتاری جای عمل داشته باشند نه اینکه به سطح خانواده برگردند و مفاسد قبلی را پیگیری کنند و دوباره وارد جامعه شوند که در این صورت آتش همان است و کاسه همان.^(۶)

برای مثال به خاطر تصادف یا به خاطر اختلافات مالی یا چک های برگشت خورده یا مسائلی که به هر حال ربطی به شخصیت آدم ها ندارد، یعنی مساله شخصی و روانی نیست و به دلیل این موارد در زندان هستند طبیعتا باید برای آزادی آنها تلاش کنیم

چون که مجموعه شرایط خانواده معمولا بدون حضور مادر گرانی گاه خودش را از دست می دهد و دیگر آن خانواده ثبات ندارد و در این زمینه لازم است که تلاش هایی صورت بگیرد چرا که نقش پدر هر چند که در خانواده مهم است اما به صورت گرانیگاهی نیست و بیشتر نقش حمایتی دارد. بنابراین حضور مادر در خانواده از الزاماتی است که باید به آن توجه خاصی مبذول داشت. سازمان زندان ها تسهیلاتی که در این زمینه می تواند قایل شود، ملاقات با خانواده، مرخصی های کوتاه مدت یا استفاده از مددکاری. در این زمینه مهم ترین سازمانی که می تواند به زندان ها کمک کند، سازمان بهزیستی است.

این سازمان می تواند مددکار در اختیار سازمان زندان ها قرار دهد و مشکلات خانواده ها را به طور دقیق مورد بررسی قرار دهند و زمانی بیشتری را برای این افراد و این خانواده ها بگیرند. برای افراد کار در تولیدی ها یا در خود زندان یا در جاهای دیگری که امکان هست به گونه ای که در آمدشان به خانواده برسد و در نهایت زمان ملاقات و بازپروری را بیشتر کنند.

کارآموزی زندانیان زن :

آن چیزی که بیش از همه می‌تواند به این خانم‌ها کمک کند، استفاده از سیستم مددکاری و کارآموزی است. یعنی اینکه این افراد در مدتی که در زندان هستند بتوانند برای مستقل زندگی کردن یک کسب‌وکار و یک پیشه‌ای را فرا بگیرند، یک مهارتی را یاد بگیرند که اگر باز از خانه بیرون آمدند دچار این مشکل نشوند که ندانند که درآمدشان را باید از کجا تأمین کنند و دوباره وارد همان بازی قبلی شوند. زنان به لحاظ تفاوت‌های بیولوژیک، روانشناختی و اجتماعی که با مردان دارند در زندگی با مسائلی مواجه هستند که در برخی موارد متفاوت با مردان است.

حتی وقتی زنی مرتکب جرمی می‌شود اگرچه قانون برای او مجازات یکسانی با مردی که همان جرم را انجام داده، در نظر می‌گیرد و در این جا ممیزه جنسیتی وجود ندارد اما به جهت تفاوت‌های ذکر شده میان زنان و مردان، در برخی موارد نیاز است که در وضع قانون یا اجرای آن و همچنین در ارائه تسهیلات و خدمات ویژه مجرمان توجهات خاصی به زنان صورت گیرد. از آنجایی که خانواده‌های زندانیان در معرض مشکلات و آسیب‌های متعددی هستند لازم است که نهادهای مختلف از جمله بهزیستی و انجمن حمایت از زندانیان خدماتی را به آنها ارائه دهند تا از شدت آسیب‌ها و مشکلاتشان کاسته شود.

بخشی از اقداماتی که برای کمک به خانواده زندانیان انجام می‌گیرد شامل کمک‌های مالی است که در بودجه سالانه کشور نیز مبالغی به این منظور اختصاص داده می‌شود.

این کمک‌ها در سه دسته‌بندی توانمندسازی خانواده‌ها در زمینه سلامت، توانمندسازی اقتصادی خانواده‌ها و برگزاری کلاس‌های توجیهی و توانمندسازی معنوی قابل دسته‌بندی است. همان‌طور که مشخص است زنان در مقایسه با مردان با مشکلات بیشتری وارد زندان می‌شوند و در دوران زندان نیز با مشکلات بیشتری دست و پنجه نرم می‌کنند. از این موارد می‌توان این نتیجه را گرفت که زنان با مشکلات بیشتری نیز محیط زندان را ترک خواهند کرد.

مشکلاتی که اگر تمهیداتی برای آن اندیشیده نشود به احتمال زیاد بازگشت دوباره آنان به محیط زندان را تضمین کنند. بخشی از عدم توجه را باید در ناشناخته بودن چنین مشکلاتی و در عین حال نسبت کم زندانیان زن می‌توان جست‌وجو کرد. از سویی باید توجه داشت طرح‌هایی نظیر مجازات‌های جایگزین حبس به‌گونه‌ای مورد تصویب و اجرا قرار بگیرند که کمترین معایب را برای زنان و جامعه به همراه داشته باشند.^(۷)

گام اصلی مددکاری است :

گام اصلی مددکاری و بررسی وضعیت این افراد است. گام دوم هم این است که به آنها یک حرفه یاد بدهند و کارآموزی‌های لازم را بگذرانند تا به آن مهارت‌های اجتماعی که لازم است، دست یابند. در این زمینه انواع و اقسام کارهایی وجود دارد به شرطی که بتوانند سرمایه مقتضی و مختصر را در اختیار آنها قرار دهند. کارهایی از جمله قالبیافی، آرایشگری، خیاطی و هر حرفه‌ای که برای بازپروری لازم باشد به افراد آموزش دهند.

در این راستا موسسات کارآموزی و انجمن‌های فنی و حرفه‌ای اینها خودشان امکانات اولیه را در اختیارشان قرار می‌دهند و به آنها می‌گویند که چه کارهایی را باید انجام دهند. همچنین در این زمینه نهادهای عمومی مانند خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در حرفه‌آموزی به این قشر کمک کنند.^(۸)

تأثیرات روان شناختی زندانی شدن :

زندان یکی از نهادهای اجتماعی دیرینه است که پیشینه ای تاریخی و پرفراز و نشیب داشته است . درابتدا زندانی کردن با هدف عمدی ایجاد رنج جسمانی در زندانی همراه بود اما امروزه فرایند زندانی کردن نوعی مجازات جسمانی محسوب نمی شود و شیوه ای است که تأثیر مثبت بر ذهن و رفتار زندانی را دنبال می کند . در حقیقت نهاد زندان به طور همزمان در جستجوی تحقق سه هدف است : مجازات ، بازدارندگی و بازپروری . زندان سپاری فرآیندی است که با تلفیق این سه وجه مجرمان را از شرایطی که به تداوم رفتار مجرمانه آنان می انجامد، دور می کند و آن ها را در مؤسسه یا نهادی به نام زندان قرار می دهد تا ارتکاب این قبیل اعمال را پرهزینه سازد و می کوشد با آموزش مهارت های شغلی و از طریق بازسازی شخصیتی، زندانی را تبدیل به شهروندی مطیع و سازنده کند که پس از آزادی بتواند با جامعه همخوانی و هماهنگی لازم را کسب کند. اما متأسفانه درعمل و در واقعیت دراکثر کشورها این نظریات رنگ می بازند و تحقق اهداف فوق با شکست روبرو می شود . افزایش جرائم و در نتیجه مجرمان و ازدحام بیش از اندازه زندانیان در زندان ها مؤید این مطلب است تا جایی که در کشوری مانند آمریکا نیز زندان ها با بحران روبرو هستند . حتی نگاه اجتماعی سازنده و باز پرورنده به مقوله زندان و زندانی نیز دستخوش تحریف می شود و جامعه تنها " درد زندان " یا " زجر حبس " را بر زندانی تحمیل می کند و از توجه به خیر و سلامت او بازمی ماند و رفتار با زندانیان بیش از آن که نشان دهنده رویکردی اصلاح گرایانه باشد مبین عملکردی قهری و خشونت آمیز با آنان است . پس بیهوده نیست که آمارها نشان دهنده افزایش تأثیرات روان شناختی منفی ناشی از فرایند زندانی شدن است . به عبارت دیگر روند طولانی و جانکاه انطباق و سازگاری با محرومیت ها و ناکامی های زندگی در زندان هزینه های خاص روان شناختی خود را داراست .

تأثیرات روان شناختی زندان از فردی به فرد دیگر متفاوت است و بسته به مرحله زمانی دوران حبس نیز تنوع می یابد . بررسی این تأثیرات نیازمند دقت نظر است . از سویی نمی توان گفت که رفتار مجرمانه همیشه برابر با کسالت روانی است و از سوی دیگر کسانی که از این تبعات منفی روحی رنج می برند لزوماً اختلال روان شناختی یا آسیب شناسی روانی مشخصی را نشان نمی دهند . به عبارت دیگر نمی توان گفت زندان آدم را خل می کند . اما درعین حال زندانی اکثراً توسط هم بندانی محاصره شده است که تخمین زده می شود ۲۰٪ آن ها از لحاظ ذهنی کمبود دارند و ۵٪ نیز مبتلا به جنون هستند .

پس بهتر است که به جای تأکید بر اثرات روحی قابل شناسایی از جهت بالینی یا موارد شدید اختلال های روانی به تغییرات روان شناختی گسترده تر و ظریف تری که به طور عادی و روتین در دوره انطباق با زندان روی می دهد توجه بیشتری مبذول داشت.

نتیجه گیری :

خانواده به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی با وجود پیشرفت و ایجاد فناوری های جدید نقش و جایگاه اصلی خود را حفظ کرده اما در این میان تشدید آسیب های اجتماعی سبب شده است تا کارکرد این نهاد تا میزانی برای زنان دربند پس از آزادی تغییر کند. عاملی همچون حمایت های اجتماعی و قانونی ضعیف موجب گردیده است تا اثرگذاری برنامه های حمایتی از زنان دربند پس از آزادی کم رنگ باشد و در نتیجه آن فقر و مشکل های دیگر برای این قشر تشدید شود. در ایران هر چند در بخش های مختلف قوانین خوبی در حمایت از زنان بی سرپرست و دربند پس از آزادی وجود دارد اما همچنان چالش ها و موانع فرهنگی، اجتماعی باعث شده اند تا اثرگذاری اجرای این قوانین به حداقل اثر کاهش پیدا کند. در رابطه با حمایت از زنان دربند پس از آزادی به دلیل گسترده بودن مشکلات این قشر، آمار بالای آسیب ها و کمبود نیروهای متخصص در حوزه تصمیم سازی و اجرا؛ اقدام های عملی اندکی در جهت حمایت از این قشر صورت گرفته است.

لذا با تقویت قوانین مربوط به زنان دربند پس از آزادی، اتخاذ سیاست ها و برنامه های حمایتی در راستای توانمندسازی و افزایش ظرفیت این افراد می توان همچنان شاهد کاهش مشکلات این قشر از زنان جامعه را شاهد باشیم.

منابع فارسی :

- (۱) اشتری ، بهناز (۱۳۸۲) پیامدهای تواناسازی زنان در حرفه وکالت.
- (۲) جعفری لنگرودی، محمد جواد (۱۳۸۱) ، ترمینولوژی حقوق ، تهران انتشارات گنج دانش ، چاپ دوازدهم.
- (۳) خانی ، فضیله ، (۱۳۸۵) ، توسعه روستایی و چالش های اشتغال زنان ". پژوهش های جغرافیایی، شماره ۳۸
- (۴) تهران، انتشارات دانشگاه تهران (مقالات حقوقی ۱۳۷۵)
- (۵) هاشمی ، سیدعلی ، (۱۳۸۰آبان) طرح جامع نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، فصل سوم (نقش قوانین و مقررات در بازار موسسه پژوهش در برنامه ریزی آموزش عالی)
- (۶) جزایری ، ادریس (۱۳۸۹) نقش زنان در توسعه " ترجمه ناهید ساریخانی

منابع لاتین :

- (۷) Aly, Y.H. and Quist, I.A. (1996), "Determinants of women labor force participation in Kuwait: a logit analyses". The Middle East Business and Economic Review, Vol. 8, No. 2, pp.1-9
- (۸) Appelbaum, Steven h.& hunger Karen (1998),"empowerment: a contrasting overview of organizations in general and nursing in particular an examination of organizational factory, managerial behaviors, job design and structural power "journal of empowerment in organization, vol 6,no2,pp.29-50